

ارزیابی مقایسه‌ای ابزارهای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمد مهدی فولادوند: از دیدگاه نظریه هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)

محمد تقی زند و کیلی^۱، محمد حسن امرایی^۲*

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

۲- دکترای تخصصی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

پذیرش: ۹۶/۶/۷

دریافت: ۹۶/۲/۲۳

چکیده

بسیاری از پژوهشگران حوزه قرآن و ترجمه، ترجمه محمد مهدی فولادوند از قرآن کریم را در زمره بهترین ترجمه‌های معاصر قرآن به‌شمار آورده و آن را به لحاظ مطابقت با متن مبدأ، عنایت به قواعد زبانی و بیانی و نیز به‌کارگیری واژگان روان زبان فارسی که غالباً از عمده‌ترین مباحث انسجام‌بخشی به ساختار متن بوده، متقن و قابل استناد می‌دانند. از طرفی، یکی از سوره‌های کوچک قرآن که علیرغم حجم اندکی که دارد، از موضوعات متنوعی سخن گفته، سوره "طارق" است. نظر به همین تنوع موضوع و حجم اندک آن، کیفیت انسجام در این سوره و ترجمه آن، می‌تواند مورد سؤال قرار گیرد. بدین‌روی، در این پژوهش، براساس نسخه تکامل‌یافته از نظریه نظام‌مند هالیدی و حسن ۱۹۸۵م و نیز مفهوم هماهنگی انسجامی که رقیه حسن در سال ۱۹۸۴م مطرح نمود، عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی در سوره طارق و ترجمه آن از محمد مهدی فولادوند، به‌صورت گزینشی و استقرائی، به‌بوته نقد و ارزیابی توصیفی - تحلیلی و آماری گذاشته می‌شود. نگارنده بر آن است تا با نگاهی فرا جمله‌ای و متن‌بنیاد، با اتکا به نظریه مذکور، عوامل انسجام، هماهنگی انسجامی و نیز میزان این انسجام را در متن سوره طارق و ترجمه آن مشخص نموده، سپس هردو متن مبدأ و مقصد را با یکدیگر مقایسه کند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر دستوری و واژگانی متون مبدأ و مقصد، هر دو متن، منسجم بوده و نیز با توجه به درصد بالای مشابهت متن مقصد به متن مبدأ در نحوه کار بست عوامل انسجام، مترجم توانسته است در بازتاب و انعکاس معانی و مفاهیم ترجمه تا حدود زیادی موفق عمل کند.

واژگان کلیدی: نظریه انسجام، هماهنگی انسجامی، سوره طارق، ترجمه فارسی، فولادوند

۱ - مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا، از جمله روش‌های سیستمی، نوین و متقن در ارزیابی انسجام متنی و پیوستگی ساختار متن و به دنبال آن بررسی و نقد میزان متنیت آن است که قابلیت تعیین میزان انسجام و هماهنگی انسجامی را در هر متنی - اعم از ادبی و غیر ادبی - دارد. از این‌رو، با تطبیق و کاربرست این نظریه در متن ترجمه‌های قرآن‌کریم نیز می‌توان به‌میزان کارآمدی ترجمه و توفیق مترجم در انعکاس مفاهیم ترجمه به مخاطب دست یافت.

الگوی انسجام‌هالیدی را می‌توان از مهم‌ترین روش‌های علمی در شناخت دقیق پیوستگی متن سوره‌های قرآن و ترجمه‌های آن به‌شمار آورد. در همین راستا، سوره طارق یکی از کوچک‌ترین سوره‌های قرآن است که در آن از موضوعات مختلف و متعددی^۱ سخن به‌میان آمده است. همین تنوع مضمونی، احیاناً سبب می‌گردد تا برخی مخاطبان گمان نمایند که این سوره، انسجام و پیوستگی متنی ندارد؛ بنابراین به تحلیل انسجام و میزان آن در متن این سوره پرداخته‌ایم.

این پژوهش درصدد است تا براساس نسخه تکامل‌یافته از نظریه نظام‌مند هالیدی و حسن ۱۹۸۵م که در زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا بیان گردیده است، انسجام و پیوستگی انسجامی را در متن سوره "طارق" و ترجمه آن از محمدمهدی فولادوند به‌بوته نقد و ارزیابی توصیفی تحلیلی گذاشته و در خاتمه نیز به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱- ابزارهای انسجام متنی در سوره طارق و ترجمه منتخب آن به قلم محمدمهدی فولادوند، به‌طور جداگانه کدامند؟

۲- سوره طارق و ترجمه منتخب آن از محمدمهدی فولادوند به‌طور جداگانه به چه میزانی انسجام متنی دارند؟

۳- سوره طارق و ترجمه منتخب از نظر انسجام متنی چه رابطه‌ای با هم دارند؟

۴- با نظر به کارکرد عوامل انسجام در پیوستگی متن، فولادوند تا چه حدی در ترجمه سوره طارق و انتقال مفاهیم این سوره، توفیق یافته است؟

برای یافتن پاسخ سوالات فوق، ابتدا ماهیت انسجام و عوامل انسجامی از دیدگاه این دو زبان‌شناس بررسی می‌شود، سپس براساس داده‌های موردنظر، انسجام و میزان آن در متن سوره طارق و ترجمه آن ارزیابی و مقایسه می‌گردد. این پژوهش، براساس نظریه انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵) و کتاب مشترک آن‌ها نگاشته شده و انسجام غیرساختاری در آن موردنظر است. قبل از ورود به تحلیل موضوع اصلی، به روش‌شناسی و مفاهیم نظری پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۱- روش تحقیق

این مقاله به دنبال بررسی تخصصی و نظام‌مند انسجام و میزان آن در کل آیه‌های سوره طارق از قرآن کریم و ترجمه فارسی آن به قلم محمدمهدی فولادوند است. واحدهای مورد مقایسه در این پژوهش، اساساً شامل تمامی واژگان و مفردات تشکیل‌دهنده متن سوره و ترجمه آن، به غیر از حروف ربط، اضافه و ... است که بدان‌ها نمونه‌های انسجامی گفته می‌شود که مجموعاً در سوره طارق ۶۷ نمونه و در ترجمه سوره ۶۳ نمونه است. قابل ذکر است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های مقایسه این ارزیابی تطبیقی نیز، شامل عناصر انسجام‌دهنده واژگانی و دستوری براساس نظریه هالیدی، اعم از: ارجاع، جایگزینی، حذف، تکرار، هم‌آیی و ... هستند که در بخش ادبیات نظری موضوع به اختصار تعریف و تبیین گردیده است. در این پژوهش، پس از تبیین و توضیح روش اعمال نظریه مذکور و مراحل کاربست آن در متون مختلف، ابتدا به تطبیق و کاربست الگوی انسجام هالیدی و ابزارهای مختلف آن در سراسر متن سوره طارق پرداخته شده و در ادامه همین ابزارها و عناصر انسجامی را که مؤلفه‌های سنجش انسجام در متن سوره و ترجمه آن به شمار می‌رود، از سراسر متن ترجمه سوره طارق نیز استخراج و محاسبه

گردیده است. در خاتمه بحث، پس از استخراج تمامی عناصر انسجام‌بخش الگوی هالیدی در متن سوره و ترجمه آن به صورت جداگانه، انسجام و میزان آن در متن سوره و ترجمه آن، به دو صورت آماری و تحلیلی، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

۲-۱- پیشینه پژوهش

تأملی کوتاه در پیشینه پژوهش‌های قرآنی، نشان می‌دهد که مسئله انسجام متن قرآن کریم در قدیم هم، با نگرشی کلی در میان اندیشمندان و پژوهشگران علوم قرآنی مطرح بوده و غالب عناصر نظریه انسجام «هالیدی» و «حسن» به نوعی مورد توجه زبان‌شناسان مسلمان نیز بوده است؛ هرچند هیچ‌گاه در قالب یک نظریه مشخص بدان اشاره نکرده‌اند. به عنوان نمونه برخی از آنان، پدیده انسجام در قرآن را از خلال پژوهش در نظم قرآن، تحلیل و بررسی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به «نظریه نظم» از عبدالقاهر جرجانی اشاره کرد. برخی هم مسئله انسجام در قرآن را از دیدگاه «علم مناسبات» که یکی از زیرشاخه‌های نظم است، بررسی نموده‌اند (نعمتی و ایشانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۱).

در عصر حاضر نیز در حوزه نقد و تحلیل انسجام متن اصلی سوره‌های قرآن کریم، پژوهش‌های متعددی نگارش یافته که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- «تحلیل عناصر نقشمند در انسجام‌بخشی به ساختار آوایی متن قرآنی (بررسی موردی سوره‌های قمر، رحمن و واقعه)» (۱۳۹۴)، احمد پاشازانوس و همکاران.
- ۲- «مطالعه زبان‌شناختی روابط متنی در قرآن» (۱۳۸۹)، ترجمه ابوالفضل حرّی.
- ۳- «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» (۱۳۹۵)، سیدمهدی مسبوق و شهرام دلشاد.
- ۴- «واکاوی زبان‌شناختی باهم‌آیی واژگانی در قرآن مجید (شواهدی از سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه)» (۱۳۹۵)، مقاله‌ای از عباس‌علی آهنگر و اعظم میکده و

این نظریه به تازگی به عرصه مطالعات ترجمه قرآن به زبان فارسی نیز راه یافته و مقالاتی همچون: «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده» از معصومه نعمتی قزوینی و طاهره ایشانی، و «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام» از معصومه نعمتی قزوینی را به دنبال داشته است. مقاله حاضر در امتداد این پیشینه، در اقدامی جدید، کیفیت انسجام در متن سوره طارق و ترجمه آن از محمدمهدی فولادوند را به طور تطبیقی و مقایسه‌ای بررسی خواهد کرد. اهمیت این جستار، غالباً در این است که علاوه بر تعیین میزان انسجام سوره و ترجمه آن، می‌تواند پاسخی عملی و کاربردی به اتهامات ناروای مستشرقان و قرآن‌پژوهان غربی در موضوع انسجام سوره‌های قرآن کریم، باشد و بدان‌ها نشان دهد که سوره طارق از قرآن کریم غالباً منسجم و دارای هماهنگی انسجامی است و ادعای مدعیان غربی و شرق‌شناسان در مورد بی‌نظمی و عدم انسجام سوره‌های قرآن به‌ویژه سوره طارق در این مطالعه، غالباً بی‌اساس و فاقد وجاهت منطقی و عملی است.

از طرفی، در مورد ترجمه فولادوند، تا آنجا که نگارندگان این پژوهش مطلع هستند، تاکنون پژوهشی با این عنوان انجام نشده است. با عنایت به عدم نقد و بررسی سبک ترجمه فولادوند از جانب ناقدان و صاحب‌نظران حوزه ترجمه، می‌توان گفت که نقد و ارزیابی این ترجمه از منظر انسجام و میزان آن، به‌ویژه مقایسه و تطبیق آن با متن مبدأ (قرآن کریم) مفید و جالب‌توجه است.

۲- ادبیات و مبانی نظری پژوهش

نظریه تکامل‌یافته هالیدی و حسن درباره انسجام

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از نگرش‌های مسلط در زبان‌شناسی نظری امروز به‌شمار می‌رود که بر نقش‌های زبانی تأکید دارد. نقش‌گرایان، معتقدند که «زبان، ابزاری برای تعامل اجتماعی و واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا، نسبت واحدهای زبانی و روابط

صوری آن‌ها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند» (halliday& hasan, 1985: 40). از این‌رو، آنان کار خود را با تکیه در حیطه کلام آغاز می‌کنند و در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌دانند. «از این دیدگاه، نظام زبان، نظامی دل‌خواهی و قراردادی نیست؛ بلکه طبیعی و بارآورده جامعه و متناسب با نیازهای جامعه و انسان است. به‌طوری که هر عنصری از زبان را می‌توان با ارجاع به نقش آن در سیستم کلی زبان تبیین کرد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۴).

یکی از نظریات مهم زبان‌شناسی که می‌تواند در تحلیل متون ادبی مفید باشد، نظریه انسجام از مایکل هالیدی و رقیه حسن است. هر دو نفر در زمینه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا آثاری را به‌طور گسترده منتشر نموده‌اند. این دو با همکاری یکدیگر در سال ۱۹۷۶ کتاب "انسجام در زبان انگلیسی" (Cohesion in English) را پدید آوردند. این نظریه در حوزه مطالعات متن‌شناسی، مؤلفه «انسجام» را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری متن معرفی می‌کند و به تحلیل عوامل انسجام در متن می‌پردازد. از دیدگاه این نظریه، اگر اجزای جمله‌های نوشته یا گفته‌ای، با هم مربوط باشند یا به‌عبارت دیگر منسجم باشند، آن نوشته یا گفته، یک متن (text) را شکل می‌دهد.

هالیدی و حسن در اثر معروف خود، ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای را بررسی کرده‌اند. در این بررسی، آن‌ها روابط بین جمله‌ای در متن را انسجام متنی نامیده و آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به‌عنوان یک متن از غیر متن، متمایز و مشخص می‌نماید» (سارلی، ۱۳۹۰: ۵۵).

نظریه «انسجام و پیوستگی متن» که بر پایه ارتباط معنا و متن است، شاخه‌ای از سخن‌کاوی (گفتمان) و تجزیه و تحلیل کلام محسوب می‌شود که به مطالعه متن می‌پردازد. «یک متن، زمانی به گفتمان تبدیل می‌شود که کلیتی منسجم داشته باشد؛ حتی اگر از یک تکه کوچک زبانی تشکیل شده باشد» (گرین و لبیهان، ۱۳۸۳: ۳۳). انسجام، نقش مهم و

معناداری در ساختمان یک متن دارد و به عقیده هالیدی «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به‌عنوان یک متن، مشخص می‌سازد» (halliday & hasan, 1976: 4).

هالیدی رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌خواند؛ زیرا معتقد است که آراء او نسبت به زبان، بیش‌تر متکی بر نقش عناصر زبانی است تا صورت آن‌ها. وی این اتکاء به نقش را در سه تفسیر به کار می‌برد:

الف) تفسیر متون.

ب) تفسیر نظام زبانی.

ج) تفسیر ساخت‌های عناصر زبانی.

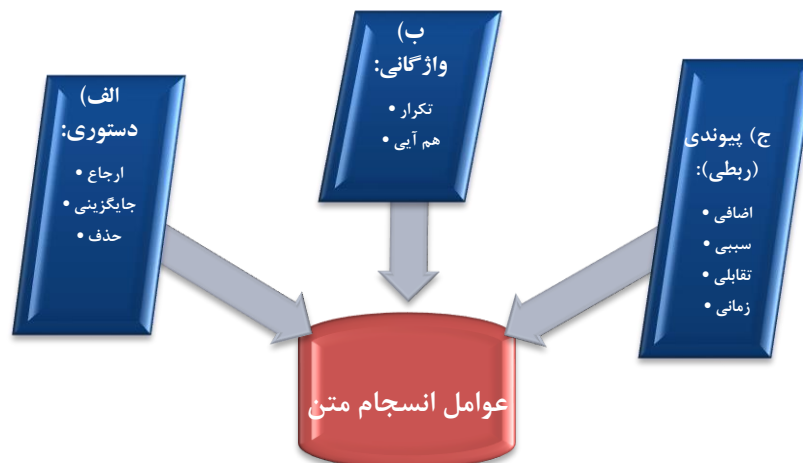
از نظر هالیدی دستور نقش‌گرا، دستوری طبیعی است؛ زیرا براساس چگونگی کاربرد زبان، طراحی شده است. هر متنی، خواه گفتاری، خواه نوشتاری، در بافت کاربردی، مفهوم خود را باز می‌یابد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۸). به‌نظر می‌رسد که با تطبیق و کاربرست این نظریه در متن ترجمه قرآن کریم، می‌توان به‌میزان کارآمدی ترجمه و توفیق مترجم در بازتاب و انعکاس مفاهیم ترجمه به مخاطب دست یافت.

۳- «ابزارهای انسجام (cohesion devices)»

هالیدی و حسن، عوامل انسجام متن را ابتدا به سه گروه کلی تقسیم می‌کنند:

انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی (ربطی)

سپس برای هرکدام از آن عوامل انسجامی، زیرمقوله‌هایی در نظر می‌گیرند. به این ترتیب:



در ادامه، عوامل و ابزارهای انسجام، همراه با زیرمجموعه‌های آنها توضیح داده می‌شود:

۳-۱- «عوامل دستوری (Grammatical elements)»

۳-۱-۱- «ارجاع (Reference)»

منظور از ارجاع، انواع مختلف عناصر ضمیری در متن است که با ایجاد ارتباط بین جمله‌های یک متن باعث انسجام متنی آنها می‌گردد. برای مثال:

«آن سال که برف سنگینی آمد. آقای شفیعی، همسایه ما سُر خورد و پایش شکست. او را که درد بسیار می‌کشید همسایه‌ها به بیمارستان بردند» (سجودی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

«آقای شفیعی»، «ش» (در پایش) و «او» هم مرجع هستند و از طریق روابط هم‌مرجعی به شکل‌گیری بافتار متن کمک می‌کند.

۳-۱-۲- «جایگزینی (substitution)»

جایگزینی (یا جانشینی) به عملکرد یکی از عناصر متن اشاره دارد که به لحاظ معنایی، به جای یکی از عناصر قبلی در متن آمده است. مثال: «این کفش را نمی‌خواهم آن یکی را می‌خواهم» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷).

۳-۱-۳- «حذف (Ellipsis)»

حذف یعنی بخشی از متن که قبلاً به مخاطب شناسانده شده است، در ادامه متن ذکر نشود و هیچ جانشینی هم برای آن نیاید. بخش محذوف از طریق بافت متن، قابل تشخیص است. حذف می‌تواند برای فعل، اسم، و بند رخ دهد (ن.ک: شعبانلو، ۱۳۸۷: ۱۷۲). مثال: «برای جشن مدرسه، مریم شیرینی آورد و مهری میوه». بدیهی است که مهری میوه «آورد»؛ اما فعل حذف شده است.

۳-۲- «عوامل واژگانی (lexical Elements)»

۳-۲-۱- «تکرار (Reiteration)»

تکرار یکی از ابزارهای انسجام‌بخشی متن است که طی آن عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شود؛ تکرار در قالب‌های گوناگونی، مانند: «هم‌معنایی یا مترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی» و «رابطه جزء و کل» رخ می‌دهد (ن.ک: مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۷۰).

۳-۲-۲- «هم‌آیی (collection)»

هم‌آیی یکی دیگر از عناصر انسجام‌واژگانی است که منظور از آن «مجاورت» یا «به‌هم مربوط بودن» عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است. این عامل، منجر به پیدایش ارتباط جمله‌های آن متن می‌شود. مثلاً اگر متنی درباره مسابقه فوتبال باشد وقوع کلماتی از قبیل: داور، بازیکن، دروازه، دروازه‌بان، خطا و ... در جمله‌های مختلف آن باعث به‌وجود آمدن نوعی انسجام واژگانی در آن می‌شود (ن.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۳-۳- «عوامل پیوندی (connective Elements)»

پیوندها یا عناصر ربطی از دیگر عوامل انسجام در متن هستند که میان جمله‌ها قرار می‌گیرند و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند. در «هر زبان، کلمات و عباراتی هست که نقش

آن‌ها، انتقال خواننده یا شنونده از جمله‌ای به جمله بعد است» (صلح‌جو، ۱۳۹۱: ۲۴). هالیدی و حسن معتقدند که پیوند، ذاتاً با دیگر روابط انسجامی از جمله حذف و جایگزینی تفاوت دارد. آن‌ها نخست پیوندها را به دو دسته کلان و خرد تقسیم می‌کنند. مقصودشان از پیوندهای کلان عباراتی است چون «روزی روزگاری» که شروع یا پایان یک موضوع را نشان می‌دهد پیوندهای خرد را به چهار دسته تقسیم می‌کنند که عبارتند از (ن.ک: رحمانی، ۱۳۸۴: ۲۳):

۳-۳-۱- «پیوندهای افزایشی»

مانند «علاوه بر این» در جمله «پیرمرد افسرده و خسته بود؛ علاوه بر این انگیزه‌ای برای ادامه سفر نداشت».

۳-۳-۲- «پیوندهای تبیینی»

مانند «علیرغم آن که»، «با این وجود»؛ مانند: «هوا خیلی سرد است، با این وجود، من به پارک می‌روم».

۳-۳-۳- «پیوندهای علی»

که به بیان روابط علت و معلولی بین وقایع می‌پردازد، عباراتی مانند «در نتیجه»، «زیرا»، «برای این که» و مشابه آن. به عنوان مثال: «او به مهمانی نرفت برای این که خسته بود».

۳-۳-۴- «پیوندهای زمانی»

که توالی زمان را نشان می‌دهد. مانند «سپس»، «پیش از آن»، «بعد» و مشابه آن. به عنوان مثال: «شما بروید، من بعد می‌آیم» (ن.ک: مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷).

۳-۴- «گره (Tie)»

آن‌چه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، «گره» نامیده می‌شود.

گره، عنصری از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر مرتبط می‌کند (نعمتی، ۱۳۹۲: ۱۸). هالیدی و حسن بر اهمیت «گره» و به عبارتی «دو تا بودن و با هم آمدن یک جفت عنصر که از نظر انسجامی به هم مربوط هستند»، بسیار تاکید کرده‌اند (قوامی و آذرخوا، ۱۳۹۲: ۷۶). به عبارت دیگر، «گره عبارت است از باهم آوردن و جفت کردن عناصر گزینشی یک متن» (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۹). براساس نظر رقیه حسن (۱۹۸۵: ۷۵-۷۴)، این گره‌ها به سه صورت و براساس یک رابطه معنایی، در متن دیده می‌شود:

الف) هم مرجع بودن؛ (Co-references) در این حالت گره‌ها بیشتر با عناصر ارجاعی شناخته می‌شوند.

ب) هم طبقه بودن؛ (Co-Classification) در این حالت گره‌ها در مقوله جایگزینی و حذف قرار می‌گیرند.

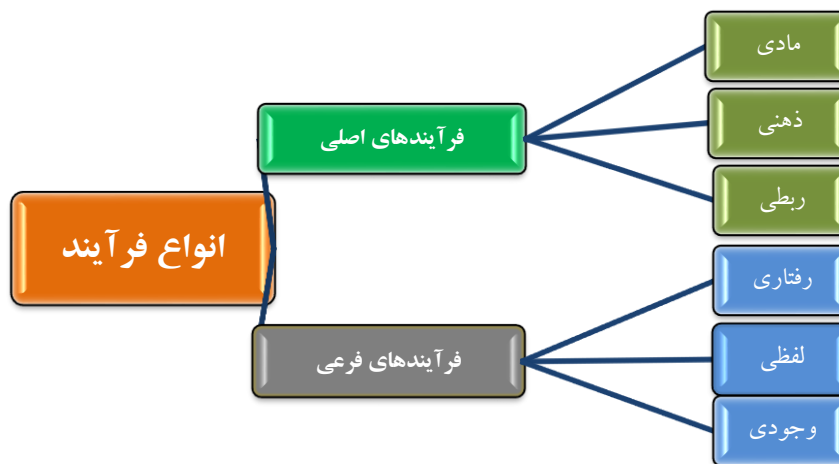
ج) هم گستر بودن؛ (Co-extensions) عناصر واژگانی بیشتر در این نوع قرار می‌گیرند (همان: ۶۰-۵۹).

۳-۵- «فرآیندها (Processes)»

از دید زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، گذرایی، ویژگی‌ای از جمله است که برای مشخص کردن انواع فرآیندها در جمله به کار می‌رود. هالیدی در تعریف گذرایی می‌نویسد: «گذرایی در اصل، رمزگذاری تجربیات ما از فرآیندهاست و یا به زبانی دیگر، گذرایی، دستور زبانی است برای فرآیندها، شرکت‌کنندگان در این فرآیندها و دیگر ملزوماتی که به همراه آن‌ها می‌آید» (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰). فرآیندها به لحاظ معنایشان در شش گروه دسته‌بندی می‌شوند و به تناسب معانی‌شان مشارکین ویژه‌ای را به خود می‌پذیرند.

فرآیندها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که هریک سه فرآیند را پوشش می‌دهند: «فرآیندهای اصلی» و «فرآیندهای فرعی»

در حوزه گذرایی فعل، هالیدی (۱۹۹۴: ۱۰۷ به نقل از سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۱) سه نوع فرآیند اصلی را با نام‌های «مادی»، «ذهنی» و «ربطی» و سه نوع فرآیند فرعی را به نام‌های «رفتاری»، «لفظی» و «وجودی» معرفی می‌کند:



۳-۵-۱- «فرآیندهای اصلی» (The main processes)

۳-۵-۱-۱- «فرآیند مادی» (Physical process)

این فرآیند به فعالیت‌های کنشی‌ای مربوط است که بر انجام دادن کاری فیزیکی دلالت می‌کند؛ مانند خوردن، گرفتن و در این نوع فرآیند ممکن است یک شرکت کننده (مشارک) اصلی با عنوان کنش‌گر داشته باشیم، مانند: «من خواهم آمد» در این جمله «من»، کنش‌گر محسوب می‌شود (ن.ک: هالیدی و حسن، ۱۹۸۵: ۳۷).

۳-۵-۱-۲- «فرآیند ذهنی» (Mental process)

این فرآیند در اصل به امور ذهنی، حسی و فکری مربوط است؛ مانند دوست داشتن، فکر کردن، خوشایند بودن و شرکت کننده‌ای که در این فرآیند، فعالیت ذهنی و حسی و فکری انجام می‌دهد «حسگر» (مُدِرک) نامیده می‌شود و آنچه در این فرآیند

احساس و ادراک می‌شود، «پدیده» نام دارد. برای مثال «من راز فصل‌ها را می‌دانم و حرف لحظه‌ها را می‌فهمم» در این جا «من»، حسگر (مُدِرک) است و «راز فصل‌ها» و «حرف لحظه‌ها»، پدیده‌های بند هستند (پهلوان نژاد و زمردیان، ۱۳۸۳: ۶۳).

۳-۵-۱-۳- «فرآیند ربطی (Related process)»

این فرآیند «با فعل‌های «شدن»، «داشتن»، «به‌نظر رسیدن»، «بودن» و ... در ارتباط است. شرکت کننده‌ای که این نوع فرآیند را انجام می‌دهد، «حامل» نامیده می‌شود و آنچه «اسناد» داده می‌شود، ممکن است صفت باشد» (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۱۶)، مانند: «غمگین» در جمله «من غمگین هستم» و یا «یکسانی» مانند: «عشق» در جمله «خدا عشق است» و یا ممکن است مالکیت باشد، مانند: «مدادهای زیادی» در جمله «من مدادهای زیادی ندارم».

۳-۵-۲- «فرآیندهای فرعی (Sub-processes)»

۳-۵-۱-۲- «فرآیند رفتاری (Behavioral processes)»

این فرآیند دربرگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جاندار یا جاندار پنداشته شده است. در این فرآیند فقط یک شرکت‌کننده (مشارک) به نام «رفتارگر» وجود دارد (هالیدی ۱۹۸۵: ۱۲۹ به نقل از مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۵). مانند مثال‌های زیر:

الف) دخترک چند ساعتی می‌گریست. ب) او از ته دل خندید.

در این مثال‌ها «دخترک» و «او» رفتارگرند. علاوه بر «گریستن» و «خندیدن»، فعل‌های فارسی «نفس کشیدن» و «خوابیدن» نیز بیان‌گر فرآیندهای رفتاری هستند.

۳-۵-۲-۲- «فرآیند لفظی (کلامی) (Verbal process)»

«فرآیندی است با فعل‌هایی که همه از نوع «گفتن» اند و بیش‌تر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند. مشارکین این فرآیند، عبارتند از: «گوینده»، آن که چیزی می‌گوید، و «مخاطب»،

آن که خطاب به او چیزی گفته می‌شود، و «گفته»، آن چیزی که گفته می‌شود» (همان: ۴۶-۴۵). مثال: «کتاب راهنما، جزئیات کار دستگاه را برای شما توضیح می‌دهد.»

«کتاب راهنما»، گوینده بند، «جزئیات کار دستگاه»، گفته، و «شما»، مخاطب بند هستند. فعل‌هایی مانند «نشان دادن»، «یادآوری کردن»، «فرمودن»، «اعلان کردن» و «فریادزدن» از فرایندهای لفظی محسوب می‌شوند (ن.ک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۳۰-۱۲۹).

۳-۵-۳- «فرآیند وجودی (Existential process)»

از موجودیت یا هستی پدیده‌ای (و یا عدم آن) سخن می‌گوید. معمولاً فعل «بودن» در این فرآیند بیش‌ترین کاربرد را دارد. مشارک این فرآیند را که از هستی (یا نیستی) آن سخن می‌رود، «موجود» نامیده می‌شود. مثال: «او در خانه بود» در این جمله، «او»، موجود و «خانه»، عنصر محیطی و «بود»، فرآیند وجودی است (ن.ک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۳۰).

۴- روش تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در متن

برای نشان دادن انسجام در یک متن، انجام مراحل زیر به‌ترتیب لازم و ضروری است:

- ۱- متن را به جمله‌های ساده، و نه مرکب تقسیم می‌کنیم.
- ۲- واژه‌ها و عبارات موجود در هر جمله ساده را، بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و ... به‌صورت جداگانه و مشخص می‌نویسیم. این کار در محاسبه کل نمونه‌ها، یعنی نمونه‌های شرکت‌کننده در این پژوهش به ما کمک می‌کند.
- ۳- از میان واژگان و عبارات نوشته‌شده (کل نمونه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش) عوامل انسجام واژگانی و دستوری موجود در متن را بازشناسی می‌نماییم.
- ۴- عوامل بازشناسی شده را در زنجیره‌هایی با عناوین یکسانی و شباهت قرار می‌دهیم و نمونه‌های شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط) را محاسبه می‌کنیم.
- ۵- درجه انسجام متن را محاسبه می‌کنیم (محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها).

۵- بخش تطبیقی پژوهش

در این بخش از پژوهش با تکیه بر الگوی انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵) که نمودار آن ذکر گردید، ابتدا مبحث انسجام و ابزارهای آن را در متن سوره طارق، سپس در ترجمه این سوره از فولادوند، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده و در مرحله بعد نیز میزان انسجام هردو متن سوره و ترجمه آن را به طور آماری و نموداری مورد سنجش و ارزیابی مقایسه‌ای قرار می‌دهیم.

۵-۱- تطبیق الگوی انسجام در سوره طارق

متن سوره طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ﴾ ۱﴿ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ﴾ ۲﴿ النَّجْمِ الثَّاقِبِ﴾ ۳﴿ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيَّهَا حَافِظٌ﴾ ۴﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ ۵﴿ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ﴾ ۶﴿ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ ۷﴿ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ﴾ ۸﴿ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾ ۹﴿ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ﴾ ۱۰﴿ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾ ۱۱﴿ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ﴾ ۱۲﴿ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ﴾ ۱۳﴿ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ ۱۴﴿ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ ۱۵﴿ وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ ۱۶﴿ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤَيْدًا﴾ ۱۷﴿

۵-۲- تحلیل عوامل انسجام در متن سوره طارق

همان‌گونه که در روش‌شناسی تحلیل انسجام متن، در بالا نیز ذکر گردید، در این بخش از پژوهش، ابتدا آیات سوره طارق به جمله‌ها یا بندهای ساده تقسیم شده، سپس واژگانی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم^۲ در متن جمله‌ها هستند، صرف‌نظر از حروف ربط، اضافه و ...، به طور جداگانه نوشته می‌شوند. پس از تقسیم آیات سوره به جمله‌هایی ساده و جدانویسی کلمه‌های موجود در هر جمله، این کلمه‌ها را بسته به این‌که جزء کدام یک از عوامل انسجام هستند و چه نوع ارتباطی با همدیگر دارند، در

زنجیره مناسب و مربوط بدان‌ها قرار داده می‌شود. تمام این عوامل در جدول شماره ۲، به مخاطب نشان داده شده است.

براساس این جدول، تعداد کل نمونه‌های سوره طارق (۶۷) مورد است که به صورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست این جدول، به ترتیب شماره آیه‌ها و شماره جمله‌های مأخوذ از هر آیه مشخص شده، سپس واژگان مربوط به هر جمله به گونه افقی و جداگانه در زیر هم نوشته شده است. این موضوع سبب می‌گردد تا رابطه کلمه‌های هر جمله با واژه‌های جمله‌های دیگر - که در ردیف‌های افقی بعدی خواهد آمد - کاملاً مشخص شده است و زیر همان واژه، در یک ستون عمودی قرار گیرد. تمامی واژگان تفکیک شده، به همین شکل در جدول مربوطه قرار داده شده است. این کلمه‌ها، همان عوامل انسجامی واژگانی و دستوری هستند که در مرحله نهایی کار نیز، جهت یافتن درصد پیوستگی متن، مورد نیاز خواهند بود.

جدول شماره ۱: بررسی عوامل انسجام واژگانی و دستوری در سوره «طارق»

آیه	جمله	لفظی و کلامی			ذهنی			وطني			مادی		
		لرحمہ	ن	اللہ	(ابتدا)								
۱	۱	لرحمہ	(أنا)	(أقسم)	السَّما								
۲	۱	(أنا)		(أقسم)	الطَّارِ								
۳	۱	(أنا)		(أقسم)	فی								
۴	۲	ک	(الرسول	الاکرم	ما أذری	هو							
		(ص)				(الإنسان)							
۵	۲				الطَّارِ								
					فی	(أستفهم؟)							
۶	۳				السَّخْبُ								
					الْقَاقِبُ								
۷	۴	حافظ				کل نفس	یس						

ارزیابی مقایسه‌ای ابزارهای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن... _____ محمدتقی زندوکیلی و محمدحسن امرائی

								هـ	هـ									۸	۴
								(نفس)	(نفس)									۹	۵
								لَا يَنْظُرُ	الْإِنْسَانُ									۱۰	۵
								مـ	(هو)									۱۱	۶
								لَخَلِيقِ	الْإِنْسَانُ									۱۲	۷
								ثَاء	(هو)									۱۳	۸
								ذَافِقِ	الْإِنْسَانُ									۱۴	۹
								(ثَاء) الضَّالِّجِ										۱۵	۱۰
								يَخْرُجُ										۱۶	۱۰
								هُوَ										۱۷	۱۱
								الْإِنْسَانِ										۱۸	۱۲
									هـ في	هـ في								۱۹	۱۳
									قَادِرٌ عَلَى	قَادِرٌ عَلَى								۲۰	۱۴
									الْإِنْسَانِ	الْإِنْسَانِ								۲۱	۱۵
									أَوْ الْمَاءِ	أَوْ الْمَاءِ								۲۲	۱۶
يَوْمَ																		۲۳	۱۷
(الْقِيَامَةِ)																		۲۴	۱۸
									هـ في له	هـ في له								۲۵	۱۹
									(الْإِنْسَانِ)	(الْإِنْسَانِ)								۲۶	۲۰
									(هو)	(هو)								۲۷	۲۱
									الْإِنْسَانِ	الْإِنْسَانِ								۲۸	۲۲
																		۲۹	۲۳
																		۳۰	۲۴
																		۳۱	۲۵
																		۳۲	۲۶
																		۳۳	۲۷
																		۳۴	۲۸
																		۳۵	۲۹
																		۳۶	۳۰
																		۳۷	۳۱
																		۳۸	۳۲
																		۳۹	۳۳
																		۴۰	۳۴
																		۴۱	۳۵
																		۴۲	۳۶
																		۴۳	۳۷
																		۴۴	۳۸
																		۴۵	۳۹
																		۴۶	۴۰
																		۴۷	۴۱
																		۴۸	۴۲
																		۴۹	۴۳
																		۵۰	۴۴

همان‌گونه که در جدول شماره (۱) قابل ملاحظه است، تمامی واژگان (عوامل انسجام)، به صورت افقی و جداگانه در جدول مربوطه، کنار هم نوشته شده است. به عنوان مثال، در جمله شماره ۱ از آیه ۱، جمله ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در اصل به صورت: «أبتدأ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بوده و فعل «أبتدأ» از آن حذف شده است. ضمیر مستتر «أنا» در فعل «أبتدأ» از نوع ارجاع به مابعد بوده و به اسم اعظم «اللَّهُ» ارجاع داده می شود (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۹)؛ بنابراین، با یکدیگر در یک زنجیره یا ستون عمودی قرار گرفته اند.

در جمله شماره ۱ از آیه ۱ نیز کلمات «الرحمن» و «الرحیم» در کنار هم و در یک ستون یا زنجیره جای گرفته اند؛ زیرا هر دو، صفت بوده و تقریباً هم معنا هستند، چنان که در مراجع تفاسیری مختلف نیز بدین موضوع اشاره شده است.

در جمله های شماره ۱۶ و ۱۷ از آیات ۱۱ و ۱۲، فعل مضارع متکلم «أقسم» تکرار شده و در یک زنجیره یا در یک ستون عمودی قرار داده شده است.

در جمله شماره ۷ از آیه ۴ نیز اسم «حافظُ» که به خداوند متعال برمی گردد، در زیر ستون «اسم الله» نوشته شده و با آن در یک ستون عمودی قرار گرفته است؛ چرا که این دو واژه با یکدیگر رابطه هم معنایی دارند. در همین جمله، واژه «أبتدأ» با فعل «أقسم» در یک ستون عمودی قرار گرفته اند؛ زیرا نوع ارتباط آن ها با یکدیگر جزء و کل است. دو فعل مذکور از «دیدگاه زبان شناسی نظام مند نقش گرا، از یک فرآیند، یعنی فرآیند لفظی یا کلامی به شمار می روند و در نتیجه، نوع ارتباط آن ها با یکدیگر از نوع رابطه انسجامی جزء و کل به شمار می رود» (نعمتی و ایشانی، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

جمله شماره ۱ از آیه شماره ۱: ﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ﴾ نیز در اصل به صورت جمله ابتدائیة: «أُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ» بوده که فعل قسم از جمله حذف شده است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۳۰: ۳۶۶)؛ بنابراین، در تحلیل انسجام متن باید فعل قسم محذوف برگردد و در کنار دیگر نمونه ها برای تعیین میزان انسجام متن سوره، محاسبه شود.

ملاحظه می‌شود که واژه «السَّرائِر» در جمله شماره ۱۴ از آیه ۹، در یک ستون مستقل و جداگانه قرار گرفته است؛ چرا که مرادف و هم‌زنجیره‌ای در کلام ندارد و نتوانسته با دیگر عوامل انسجامی موجود در جدول ارتباط معنایی و انسجامی برقرار نماید. و یا به عبارتی، تشکیل «گره» بدهد.

در ادامه، روند کار بر همین منوال ادامه پیدا می‌کند تا جایی که تمامی واژگان سوره به‌همین صورت در جدول قرار گیرند و جدول تکمیل شود. پس از تکمیل جدول، از میان همین واژگان، نمونه‌های مرتبط (دارای هم‌زنجیره) و جنبی (بی‌هم‌زنجیره) مشخص، و میزان انسجام متن محاسبه می‌گردد.

برای این که مخاطب با روابط انسجامی حاکم بر جدول شماره (۱) تعامل بهتر و مطلوب‌تری برقرار کند، در جدول شماره (۲) که در زیر آمده، عوامل انسجامی به‌همراه زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده است تا نوع رابطه آن‌ها به‌صورت دقیق‌تری بیان گردد.

به‌عنوان مثال، در جدول شماره (۲)، «ها» در جمله ۸ به «كُلُّ نَفْسٍ» در جمله ۷ اشاره دارد و زیرمجموعه ارجاع به‌شمار می‌آید و یا ضمیر «هو» که در جمله شماره ۱۲ و در فعل «يَخْرُجُ» وجود داشته و حذف گردیده است، زیرمجموعه عامل دستوری حذف قرار می‌گیرد.

واژه «خُلِقَ» در جمله‌های ۱۰ و ۱۱ و نیز «الطَّارِقُ» در جملات ۳ و ۵ تکرار گردیده است؛ لذا زیرمجموعه عامل واژگانی تکرار قرار می‌گیرند و یا این که کلمات «السَّمَاء» در جمله ۲ و «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» در جمله شماره ۶ با یکدیگر نسبت و رابطه جزء و کل داشته و لذا زیرمجموعه عامل واژگانی جزء و کل قرار گرفته‌اند.

شایان توجه است که واژه طارق نیز که عنوان سوره است، به‌صورت تلویحی، دو بار در متن سوره تکرار شده است که این نیز نمودی دیگر از انسجام متن محسوب می‌گردد.

همان‌گونه که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، در این پژوهش برای عنصر واژگانی "تشابه" در متن سوره طارق نمونه‌ای یافت نشده است.

جدول شماره ۲: روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در سوره طارق

عوامل انسجام دستوری	ارجاع	لک در ما أذْرَاكَ (۴) النَّبِيِّ (ص) / هَا (۸) كُلُّ نَفْسٍ (۷) / إِنَّهُ (۱۳) اللَّهُ (۱) / رَجِعِهِ (۱۳) الْإِنْسَانُ (۹) / لَّهُ (۱۵) الْإِنْسَانُ (۹) / إِنَّهُ (۱۹) الْإِنْسَانُ (۹) / هُوَ (۲۰) الْإِنْسَانُ (۹) / يَكِيدُونَ كَيْدًا (۲۱) الْكَافِرِينَ (۲۴) / هُمْ (۲۴) الْكَافِرِينَ (۲۴) /					
	جانشینی و حذف	أَقْبَسِمَ (۲)، (۳)، (۱۷)، (۱۸) / يَكُونُ (۸)، (۱۵)، (۱۶)، (۱۹) / خَافِظٌ (۸) / كَ (۴) / هُوَ (۴)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۵)، (۱۶)، (۱۹)، (۲۰) / أَنَا (۱)، (۲)، (۳)، (۱۷)، (۱۸)، (۲۲) / أَنْتَ (۴)، (۲۳)، (۲۴) / هَا (۸)					
عوامل انسجام واژگانی	تکرار	خُلِقَ (۱۰)، (۱۱)	الطَّارِقُ (۳)، (۵)	وَالسَّمَاءُ (۲)، (۱۷)	خَلَقَ (۳) خَلَقَ (۴)	ضمیر متصل «ه» در إِنَّهُ (۱۳)، رَجِعِهِ (۱۳)، لَّهُ (۱۵)، إِنَّهُ (۱۹)	ضمیر متصل «هم» در إِنْهُمْ (۲۱)، أَهْلُهُمْ (۲۴)
	هم‌معنایی	مَثَلُ (۲۳) أَهْلُهُمْ (۲۴)		كُلُّ نَفْسٍ (۷) الْإِنْسَانُ (۹)	قَوْلُ فَصَّلَ (۱۹) الْقُرْآنُ مَحْذُوفٌ در سیاق کلام	فُتُوهُ (۱۵) تَأْوِيلُ (۱۶) كَيْدًا (۲۲)	يَكِيدُونَ كَيْدًا (۲۱) أَكِيدُ كَيْدًا (۲۲)
	تضاد معنایی	السَّمَاءُ (۱۷) الْأَرْضُ (۱۸)	فَصَّلَ (۱۹) أَهْلُ (۲۰)				
	جزء و کل	الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱) اللَّهُ (۱) (الرَّسُولُ الْأَكْرَمُ (ص) (أَبْدَأَ) (۱) (أَقْسَمَ) (۲) فَرَأَيْدَ لَفْظِي / الْإِنْسَانُ (۹) بِمَثَلِ خُلِقَ (۱۰) خُلِقَ (۱۱) يَخْرُجُ (۱۲) فَرَأَيْدَ مَادِي/مَا أَذْرَى (۴) فَلْيَنْظُرْ (۹) قَادِرٌ عَلَى رَجْعِهِ (۱۳) يُبْلَى (۱۴) يَكِيدُونَ كَيْدًا (۲۱) وَأَكِيدُ كَيْدًا (۲۲) مَثَلُ (۲۳) أَهْلُهُمْ رُؤْيَا (۲۴) فَرَأَيْدَ ذَهْنِي / لَيْسَ (۷) (يَكُونُ) (۸) مَا (يَكُونُ) (۱۵) مَا (يَكُونُ) (۱۶) (يَكُونُ) (۱۹) لَيْسَ (۲۰) فَرَأَيْدَ رَيْطِي / وَالسَّمَاءُ (۲) الطَّارِقُ (۳) النَّحْمُ النَّاقِبُ (۶) / الْإِنْسَانُ (۹) مَاءٌ دَافِقِي (۱۱) الصُّلْبُ وَالْقَرَابِ (۱۲) الْإِنْسَانُ (۹) السَّرَائِرُ (۱۴)					
	برابری	مَثَلُ الْكَافِرِينَ (۱۳) أَهْلُهُمْ (۲۳) أَهْلُهُمْ (۲۴)	إِنَّهُ (۱۳) الْخَالِقُ أَوْ اللَّهُ (۱)	كَ (۴) (الرَّسُولُ الْأَكْرَمُ (ص) (۴) /	ضمیر متصل «ه» در رَجِعِهِ (۱۳)، الْإِنْسَانُ (۹) /	لَّهُ (۱۵)، الْإِنْسَانُ (۹)	ضمیر متصل «ه» در إِنَّهُ (۱۹) الْإِنْسَانُ (۹)
	نام‌گذاری	طارق در عنوان سوره، از متن سوره گرفته شده است.					
	تشابه	الطَّارِقُ (۵) النَّحْمُ (۹) النَّاقِبُ (۶)	الْإِنْسَانُ (۹) مَاءٌ دَافِقِي (۱۱)				

در مرحله بعدی، برای دستیابی به نمونه‌های مرتبط، جهت محاسبه درصد انسجام متن سوره طارق، عوامل انسجامی دارای هم‌زنجیره، در زنجیره‌هایی با عناوین یکسان و شباهت گذاشته می‌شوند. قابل ذکر است «براساس نظریه هالیدی و حسن، عوامل انسجام دستوری در زیرمجموعه زنجیره‌های یکسانی و عوامل انسجام واژگانی، جزء زنجیره‌های شباهت در نظر گرفته می‌شوند» (ر.ک: ایشانی، ۱۳۹۰: ۲۶). در این مرحله،

تنها عوامل انسجامی‌ای شرکت داده می‌شوند که در یک زنجیره (ستون) حداقل دو عضو یا بیش‌تر داشته باشند. به‌عنوان مثال، عامل انسجامی «السَّرائِر» که در جدول شماره (۱) وجود دارد، در این جدول جایی ندارد؛ زیرا فاقد هم‌زنجیره بوده و از نمونه‌های جنبی تلقی می‌شود.

هم‌چنان‌که در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌گردد، سه نمونه بدون هم‌زنجیره، در جمله‌های شماره ۱: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، شماره ۱۴: «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» و شماره ۱۵: «السَّرائِر» وجود دارد که نمونه‌های جنبی نامیده می‌شوند. اما دیگر نمونه‌ها همگی دارای هم‌زنجیره هستند و با دیگر نمونه‌ها «گره» (Tie) تشکیل داده‌اند.

همان‌گونه که در جدول شماره (۴) خواهد آمد، تمامی نمونه‌های بی‌هم‌زنجیره، حذف خواهد شد. جدول مذکور، فقط محل تفکیک عوامل انسجامی دارای هم‌زنجیره به‌صورت ستونی است. واژگانی که در جدول شماره (۲) جزء عوامل انسجام دستوری بوده است، اکنون در جدول شماره (۴) در زیر علامت اختصاری «ی» نوشته شده است. واژگانی که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی بوده‌اند، اکنون در جدول شماره (۴) زیر علامت اختصاری «ش» قرار گرفته‌اند. از طرفی، واژگانی که هم زیرمجموعه عوامل دستوری و هم عوامل واژگانی بوده‌اند، اکنون در جدول شماره (۴)، زیر علامت اختصاری «ی/ش» نوشته شده‌اند، به شکل زیر:

جدول شماره ۳

علامت اختصاری «ی»	زنجیره یکسانی =	دستوری =
علامت اختصاری «ش»	زنجیره شباهت =	واژگانی =
علامت اختصاری «ی/ش»	زنجیره یکسانی و شباهت =	دستوری و واژگانی =

جدول شماره ۴: زنجیره‌های یکسانی و شباهت در سوره طارق

آیه	جمله	ی/اش	ش	ی/اش	ی	ش	ی	ش	ی/اش	ش	ی	ش	ی/اش	ش	ی	ش
۱	۱	اسم الله (أنا)		(أبدأ)												
۲	۱	(أنا)		(أقسم)	السماء											
۳	۱	(أنا)				الطَّارِقُ										
۴	۲	ك الرّسول الأكرم (ص)						مَا أَذْرَى الإنسان (								
۵	۲					الطَّارِقُ (أستفهم ؟)										
۶	۳					التَّخْمُ الثَّقِيبُ										
۷	۴	حافظٌ						كلُّ نفسٍ ها (نفس)	ليس							
۸	۴								(يكون)							
۹	۵							الْإِنْسَانُ								
۱۰	۵							(هو) الْإِنْسَانُ								
۱۱	۶							(هو) الْإِنْسَانُ								
۱۲	۷															
۱۳	۸	ه في إنّه						قادرٌ علي	ه في							

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.7.5]

۲۳

براساس جدول شماره (۱)، کل نمونه‌های سوره طارق (۶۷) مورد، نمونه‌های مرتبط سوره نیز (۶۴) مورد و نمونه‌های جنبی یا بی‌هم‌زنجیره تنها (۳) مورد هستند که به ترتیب در جمله‌های شماره ۱: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، شماره ۱۴: «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» و شماره ۱۴: «السَّارِئِ»، در جدول قابل ملاحظه‌اند.

بر همین اساس، انسجام سوره طارق، یعنی نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها ۹۵/۵۲ درصد است. این رقم نشان می‌دهد که سوره طارق براساس الگوی هالیدی و حسن (۱۹۸۵) از انسجام بسیار بالایی برخوردار است و این موضوع، در حقیقت، پاسخی به آن دسته از ناقدان معاصر غربی است که معتقدند قرآن به سبب نزول تدریجی، فاقد انسجام و پیوستگی متنی در سوره‌ها و آیات است (خوش‌منش، ۱۳۸۹: ۴۰ - ۳۹).

۶ - تطبیق الگوی انسجام در ترجمه سوره طارق

۶-۱- متن ترجمه

به نام خداوند رحمتگر مهربان

سوگند به آسمان و آن اختر شبگرد. (۱) و تو چه دانی که اختر شبگرد چیست؟ (۲) آن اختر فروزان. (۳) هیچ‌کس نیست مگر این‌که نگاهبانی بر او [گماشته شده] است. (۴) پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ (۵) از آب جهنده‌ای خلق شده، (۶) [که] از صلب مرد و میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید. (۷) در حقیقت، او [خدا] بر بازگردانیدن وی بخوبی تواناست. (۸) آن روز که رازها [همه] فاش شود، (۹) پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری. (۱۰) سوگند به آسمان بارش‌انگیز، (۱۱) سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت]، (۱۲) [که] در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است؛ (۱۳) و آن شوخی نیست. (۱۴) آنان دست به نیرنگ می‌زنند. (۱۵) و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم. (۱۶) پس کافران را مهلت ده، و کمی آنان را به حال خود واگذار. (۱۷) (فولادوند، ۱۳۹۴: ۵۹۷)

۶-۲- تحلیل عوامل انسجام در متن ترجمه سوره طارق

در این قسمت از پژوهش نیز همانند تحلیل انسجام متن اصلی سوره طارق، به بررسی عوامل انسجام در متن ترجمه سوره طارق از فولادوند پرداخته می‌شود.

در این قسمت، ابتدا متن ترجمه سوره، بدون احتساب حروف ربط و جر و ... به جمله‌ها و بندهای ساده‌ای تقسیم شده، سپس واژگان هر بند به صورت جداگانه در جدول شماره ۵ نوشته شده است. این واژگان پس از جداسازی، بسته به این که جزء کدام یک از عوامل انسجامی بوده و یا این که با همدیگر چه نوع ارتباط انسجامی - هم‌معنایی، تضاد معنایی، تکرار و - دارند، به صورت افقی در جدول مربوطه گنجانده شده‌اند. همان گونه که قبلاً نیز ذکر گردید، این عوامل به صورت افقی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند.

در سمت راست این جدول، ابتدا شماره آیه و سپس شماره جمله نشان داده شده است. سپس، واژگان هر جمله به طور مجزا و افقی کنار هم نوشته شده‌اند. به عنوان مثال، جمله: «به نام خداوند بخشنده مهربان» در ردیف جمله شماره ۱ از آیه شماره ۱، در اصل به صورت: «به نام خداوند بخشنده مهربان آغاز می‌کنم» بوده است. در این جمله، ضمیر مستتر «من» در فعل «آغاز می‌کنم» وجود دارد و حذف شده است؛ لذا زیرمجموعه عامل دستوری حذف قرار می‌گیرد.

واژه «وی»، در جمله شماره ۱۳ از آیه شماره ۸، به اسم «انسان»، در جمله شماره ۹ از آیه شماره ۵ برمی‌گردد و زیرمجموعه عامل دستوری ارجاع است. همچنین عبارت «مهلت ده»، در جمله شماره ۲۳ با عبارت «کمی آنان را به حال خود واگذار»، در جمله شماره ۲۴ برابر است و زیرمجموعه عامل انسجامی برابری به شمار می‌رود.

فعل امر «بگو»، در جمله شماره ۱۱ در آیه شماره ۱۷ نیز تکرار گردیده است. همچنین فعل‌های (آغاز می‌کنم) (۱) بخوان (۲) بگو (۱۱) نماز می‌گذارد (۱۳) دروغ بشمارد (۱۸) فراخواند (۲۷) فراخوانیم (۲۸) ... از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا، دارای فرآیند لفظی و کلامی است و زیرمجموعه عامل واژگانی جزء و کل قرار می‌گیرد.

قابل ذکر است، تمامی کلماتی که با همدیگر ارتباطی انسجامی از قبیل: تضاد معنایی، ارجاع، حذف، جزء و کل و ... دارند، به همین ترتیب، در یک زنجیره معنایی قرار می گیرند. این عمل تا زمان تکمیل جدول به همین منوال ادامه می یابد.

جدول شماره ۵: عوامل انسجام واژگانی و دستوری در ترجمه سوره طارق

ترجمه				جمله				لفظی و کلامی				مادی				ذهنی				ربطی			
آیه	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.7.5]

۲۷

فعل «آغاز می‌کنم»، در جمله شماره ۱ از آیه شماره ۱ که در اصل به صورت: «به نام خداوند بخشنده مهربان آغاز می‌کنم»، بوده، حذف شده است.

ضمیر مستتر «من» در فعل «آغاز می‌کنم» زیرمجموعه عامل دستوری حذف قرار می‌گیرد و یا فعل امر «بگو» در جمله شماره ۱۱ و شماره ۱۷ تکرار گردیده و زیرمجموعه عامل واژگانی تکرار قرار می‌گیرد. همان‌گونه که دیده می‌شود برای عامل واژگانی نامگذاری و تضاد معنایی در تحلیل انسجام متن ترجمه، نمونه‌ای یافت نگردیده است.

جدول شماره ۶: روابط عوامل انسجام واژگانی و دستوری در ترجمه سوره طارق

عوامل انسجام دستوری	۱ ارجاع	آسمان (۲) آن	تو (۴) پیامبر	آسمان (۲) آن	انسان (۹) وی	آن روز (۱۴) قیامت	آن کس که (۱۲) آن نهی کننده (۱۸)	انسان (۹) او (۱۵)	قرآن (۱۶) آن (۲۰)	من (۲۲) خداوند (۱)
		اختر شبگرد (۳)	محذوف در سیاق کلام	اختر فروزان (۶)		محذوف در سیاق کلام				
عوامل انسجام واژگانی	تضاد معنایی	آنان (۲۴) کافران (۲۳)								
		جانشینی و حذف	سوگند می‌خورم (۱) / آغاز می‌کنم (۲) و (۳) / تو (۲۳)، (۲۴) / او (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲) / مانند (۱۶) / آن (۲۰) / آنان (۲۱) و (۲۴)							
عوامل انسجام واژگانی	تضاد معنایی	آن اختر شبگرد (۳) و (۵)	آن (۳)، (۶)، (۲۰)	آنان (۲۱)، (۲۴)	او (۸)، (۱۳)، (۱۵)	آسمان (۲) و (۱۷)	سوگند به (۲)، (۳)، (۱۷)، (۱۸)	دست به نیرنگ‌زدن و (۲۱) و (۲۲)	نه (۱۵) و (۱۶)	
		آفریده شده (۲) خلق شده (۱)	مهلت ده (۱) به حال خود و آگذار (۵)	هیچ کس (۷) او (انسان) (۸)	گفتاری قاطع و روشن‌گر (۱۹) قرآن	نیروی (۱۵) یاری (۱۶)	دست به نیرنگ می‌زنند (۲۱) دست به نیرنگ می‌زنم (۲۳)			
عوامل انسجام واژگانی	تضاد معنایی	آسمان (۲) زمین (۱۸)	گفتاری قاطع (۱۹) شوخی (۲۰)							
		جزء و	آغاز می‌کنم (۱) سوگند می‌خورم (۲)، (۳)، (۱۷) و (۱۸) [گماشته شده] است (۸) فرایند لفظی و کلامی / از چه آفریده شده							

کل							
است؟ (۱۰) خلق شده (۱۱) بیرون می‌آید (۱۲) چه دانی؟ (۴) چیست؟ (۵) باید بنگرد (۹) بر بازگردانیدن تواناست (۱۳) فاش شود (۱۴) نمائی (۱۵) و (۱۶) گفتاری قاطع و روشنگر است (۱۹) دست به نیرنگ می‌زند (۲۱) دست به نیرنگ می‌زنم (۲۲) مهلت ده (۲۳) به حال خود واگذار (۲۴) فرآیند ذهنی / نیست (۷) و نیست (۲۰) فرآیند ربطی							
تو (۴) پیامبر محذوف در کلام سیاق	خداوند (۱) او (۱۳)	انسان (۹) وی (۱۳)	آنان (۲۴) کافران (۲۳)	من (۲۲) خداوند (۱)	آن احقر (۳) شگردد (۳) آن احقر (۶) فروزان		
نام سوره برگرفته از آیه اول به معنای کوبنده می‌باشد.							
انسان (۹) آبی جهنده (۱۱)							

در جدول شماره (۷)، عوامل انسجامی دارای هم‌زنجیره به‌صورت ستونی نمایش داده شده است. در این جدول، واژگانی که در جدول شماره (۶) جزء عوامل دستوری هستند، در زنجیره یکسانی و با علامت اختصاری «ی» نشانه‌گذاری شده‌اند و واژگانی که در جدول شماره ۶ جزء عوامل واژگانی هستند، در زنجیره شباهت و با علامت اختصاری «ش» مشخص شده‌اند. همچنین واژگانی که در جدول شماره ۶، هم جزء عوامل دستوری و هم عوامل واژگانی هستند با علامت اختصاری «ی/ش» مشخص شده‌اند. این طبقه‌بندی در تعیین میزان مشارکت عوامل دستوری و واژگانی در متن، به ما کمک می‌کند.

با قراردادن عوامل انسجامی در زنجیره‌هایی به نام یکسانی و شباهت، می‌توان نمونه‌های مرتبط را محاسبه نمود. براساس این جدول، تعداد نمونه‌های مرتبط و دارای هم‌زنجیره (۸۲) مورد است.

جدول شماره ۷: زنجیره‌های یکسانی و شباهت در ترجمه سوره طارق

قرجه آیه			جمله			لفظی و کلامی			مادی			دهنی			ربطی		
۱	۱		۱	به نام خداوند (من)	(من)	آغاز می- (کنم)											
۱	۲		۲	سوگند می- (من)	(من)	سوگند می- (خورم)	آسمان										
۱	۳		۳	سوگند می- (من)	(من)	سوگند می- (خورم)	آن اختر شبرگرد										
۲	۴		۴				(تو) پیامبر (ص)	چه دانی؟									
۲	۵		۵				اختر شبرگرد	چيست؟									
۳	۶		۶				آن اختر فروزان										
۴	۷		۷									هیچکس			نیست		
۴	۸		۸				[گماشته شده] است	نگاهبانی				او					
۵	۹		۹					باید بنگرد	انسان								
۵	۱۰		۱۰				از چه آفریده شده است؟		(او) انسان								
۶	۱۱		۱۱				خلق شده		(او) انسان								
۷	۱۲		۱۲				بیرون می‌آید		(او) انسان								
۸	۱۳		۱۳				او (خداوند)	برناگردانیدن تواناست	وی (انسان)								
۹	۱۴		۱۴					فاش شود									
۱۰	۱۵		۱۵					نماید	او (انسان)	نیروی							
۱۰	۱۶		۱۶					نماید	او (انسان)	یاری							
۱۱	۱۷		۱۷			(من)	سوگند به بارش انگیز	آسمان									
۱۲	۱۸		۱۸			(من)	سوگند به [آماده کشت]	زمین شکافدار									
۱۳	۱۹		۱۹					گفتاری قاطع و							قرآن		

[DOR: 20.1001.1.24233757.1396.4.7.7.5]

31

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در سوره طارق و ترجمه آن

عنوان	فراوانی عوامل/ درصد	عوامل دستوری		عوامل واژگانی					
		ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	جزء و کل	هم‌معنایی	تضاد معنایی	برابری	تشابه
سوره طارق	فراوانی عوامل	۹	۲۸	۲۳	۲۹	۶	۲	۷	۲
	درصد	۸/۴۱٪	۲۶/۱۶٪	۲۱/۴۹٪	۲۷/۱۰٪	۵۵/۵٪	۱/۸۷٪	۶/۵۴٪	۱/۸۷٪
ترجمه سوره طارق	فراوانی عوامل	۹	۱۳	۲۰	۲۳	۶	۲	۶	۲
	درصد	۱۰/۹۷٪	۱۵/۸۵٪	۲۴/۳۹٪	۲۸/۰۵٪	۷/۳۱٪	۲/۴۴٪	۷/۳۱٪	۲/۴۴٪
سوره طارق	درصد کلی	۳۴/۵۷٪		۶۵/۳۵٪					
ترجمه سوره طارق	درصد کلی	۲۶/۸۲٪		۷۳/۱۶٪					

با دقت در جدول شماره (۸)، قابل دریافت است که این جدول بیان‌گر برابری و تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی میان سوره طارق و ترجمه آن است. با مقایسه عوامل انسجام دستوری، قابل ملاحظه است که بسامد عامل جانشینی و حذف، در سوره، بیش‌تر از ترجمه سوره است. و این موضوع بیش‌تر به سبب حذف ضمیر در افعال است که در زبان عربی بیش‌تر رخ می‌دهد. در میان عوامل واژگانی، عامل جزء و کل و جانشینی و حذف در سوره و ترجمه آن، بیش‌ترین بسامد را یافته است. از طرفی، سوره و ترجمه آن از منظر غالب ابزارهای واژگانی از قبیل: تضاد، ارجاع، تشابه و نامگذاری کاملاً برابر و مساوی هستند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در سوره طارق و ترجمه آن

متن	کل نمونه‌ها	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های جنبی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها
سوره طارق	۶۷	۶۴	۳	۹۵/۵۲٪
ترجمه سوره طارق	۶۳	۵۸	۵	۹۲/۰۶٪

۷- نتیجه‌گیری

دستآورد تطبیق و اجرای نظریه انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵) در متن سوره طارق و ترجمه منتخب آن به قلم محمدمهدی فولادوند نشان داد که:

۱- علیرغم وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر دستوری و واژگانی متون مبدأ و مقصد، هر دو متن منسجم بوده، و تمامی عوامل و ابزارهای اتحاد و انسجام واژگانی و دستوری اعم از ارجاع، جانشینی، حذف، تکرار، تضاد و ... با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن حضور دارند. البته، بسامد تعامل واژگانی الفاظ، به عبارتی انسجام، در سوره بیش‌تر از ترجمه منتخب آن است.

۲- با مقایسه عوامل انسجام دستوری در متن سوره طارق و ترجمه منتخب، قابل ملاحظه است که بسامد دو عامل جانشینی و حذف، در متن سوره بیش‌تر از ترجمه آن است و این موضوع بیش‌تر به سبب حذف ضمیر در افعال است که در زبان عربی بیش‌تر رخ می‌دهد.

۳- در میان عوامل واژگانی نیز عامل جزء و کل و جانشینی و حذف در سوره و ترجمه آن بیشترین بسامد را یافته است.

۴- سوره و ترجمه آن از منظر غالب ابزارهای واژگانی از قبیل: تضاد، ارجاع، تشابه و نامگذاری کاملاً مساویند و هر دو متن تمام ابزارهای انسجام‌بخش را دارا هستند.

۵- به‌طور کلی، در سوره طارق، از مجموع کل ۶۷ نمونه پژوهش شده، ۶۴ نمونه، مرتبط و دارای هم‌زنجیره بوده و تنها ۳ نمونه جانبی یا بی‌هم‌زنجیره دیده می‌شود که تعامل زنجیره‌ای با دیگر عوامل نداشته است. بر همین اساس، انسجام سوره طارق ۹۵/۵۲ درصد است. این رقم نشان می‌دهد که سوره طارق از انسجام بسیار بالایی برخوردار بوده، و کاملاً منسجم است. در ترجمه سوره طارق از فولادوند نیز از مجموع کل نمونه‌ها که ۶۳ مورد شمارش شده، نمونه‌های مرتبط، ۵۸ مورد، و نمونه‌های جنبی فقط ۵ مورد است که براین اساس، انسجام در متن ترجمه این سوره نیز ۹۲/۰۶ درصد است.

۶- همان گونه که ملاحظه گردید، تعداد نمونه های جنبی در متن سوره و ترجمه آن، اندک است که این موضوع تفاوت درصد انسجامی نزدیک به هم، یعنی حدود ۳/۴۶ درصد را نشان می دهد. علت این اختلاف اندک، غالباً می تواند ناشی از دو امر باشد:

۱. تفاوت در تعداد نمونه های جنبی.

۲. اختلاف در تعداد کل نمونه ها، تا جایی که در سوره، (۶۷) مورد و در ترجمه سوره، (۶۳) مورد است.

۷- هر دو متن از نظر عوامل انسجام متن، در یک سطح بوده و تمامی عوامل انسجام با تفاوت ها و شباهت هایی در متن سوره و ترجمه منتخب، حضور دارد.

۸- با تأمل در نسبت عوامل انسجام واژگانی و دستوری در سوره طارق و ترجمه آن، قابل ملاحظه است که مترجم قصد داشته تا ترجمه ای معادل و وفادار به متن مبدأ را ارائه نماید و در انتقال مفاهیم آیات سوره، امین و وفادار باشد که نزدیکی درصد انسجام سوره طارق (۹۵/۵۲ درصد) با ترجمه آن (۹۲/۰۶ درصد) با اختلافی حدود ۳/۴۶ درصد، ضمن اذعان به درصد بالای انسجام و پیوستگی متن سوره و ترجمه آن، حاکی از توفیق بالای مترجم در ترجمه سوره و میزان انتقال معانی و مفاهیم آن به مخاطبان بوده است.

۸- پی نوشت

- ۱- «محتوای سوره عبارت است از: ۱. دلایل اثبات معاد جسمانی و بازگشت انسان. ۲. محفوظ ماندن روح پس از مرگ. ۳. قدرت خداوند بر آفرینش بشر از آبی جهنده. ۴. قانون بازگشت پذیری در مجموعه ی نظام آفرینش. ۵. عاقبت نافرجام کید کافران برای انکار معاد جسمانی و». به طور کلی مطالب این سوره بر دو محور است: ۱. معاد، ۲. قرآن و ارزش و اهمیت آن.
- ۲- یعنی عناصر محذوف در کلام هم برگردانده می شود.

۹- منابع

*قرآن کریم.

- ۱- آقا گل‌زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، (۱۳۹۴ش).
- ۲- أندلسي، أبوحیان، البحر المحيط في التفسير، التحقيق: صدقي محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۳- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و زمردیان، رضا، «تحلیل نحوی- معنایی ساختمان بند ساده در زبان فارسی بر پایه دستور نقش‌گرای نظام مند هالیدی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۵، (۱۳۸۳ش).
- ۴- خوش‌منش، ابوالفضل، «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق‌شناسان و آیت‌الله طالقانی»، پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن‌کریم، شماره ۸، (۱۳۸۹ش).
- ۵- رحمانی، فاطمه، «بررسی عوامل انسجامی در آثار ادبی جلال آل احمد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، گروه زبان‌شناسی، (۱۳۸۴ش).
- ۶- سارلی، ناصر قلی و ایشانی، طاهره، «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربرست آن در یک داستان (قضه نردبان)»، فصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۴، (۱۳۹۰ش).
- ۷- سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی کاربردی، نشر علم: تهران، (۱۳۹۳ش).
- ۸- شعبانلو، علیرضا و همکاران، «فرآیند دستوری در شعری بلند از عمق بخارایی»، نشریه علمی پژوهشی گویا، ش ۵، (۱۳۸۷ش).
- ۹- صافی، محمودبن عبدالرحیم، الجدول في إعراب القرآن الكريم، ط ۴، دمشق: دارالرشید، بیروت: مؤسسة الإیمان، (۱۴۱۸هـ).
- ۱۰- صلح‌جو، علی، گفتمان و ترجمه، نشر مرکز: تهران، (۱۳۹۱ش).
- ۱۱- فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن‌کریم، دارالقرآن‌الکریم: تهران، (۱۳۷۶ش).
- ۱۲- قوامی، بدریه و آذرنوا، لیدا، «تحلیل انسجام و هماهنگی در شعری کوتاه از شاملو»، فصلنامه علمی- پژوهشی زبان و ادب فارسی - دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، شماره ۱۵، (۱۳۹۲ش).

- ۱۳- مهاجر، مهران و نبوی، محمد، به سوی زبان‌شناسی شعر، نشر مرکز: تهران، (۱۳۷۶).
- ۱۴- نعمتی‌قزوینی، معصومه و ایشانی، طاهره، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، شماره ۱، (۱۳۹۲ش).
- ۱۵- هالیدی و حسن، زبان، بافت و متن، ترجمه: مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، نشر علمی: تهران، (۱۳۹۳ش).
- ۱۶- یارمحمدی، لطف‌الله، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، نشر هرمس: تهران، (۱۳۸۳ش).
- 17-Halliday. M.A.K. An introduction to functional grammar, London: Edward Arnold. (1985).
- 18-Halliday and R. Hasan. Language, context, and text: Aspects of language in a social-semiotic perspective. Oxford: University Press. (1985).
- 19-Halliday. M.A.K. and Ruqaiya Hasan. Cohesion in English. London: Longman. (1976).
- 20-Hasan R. Coherence and cohesive harmony. In Flood J. (ed.). Understanding reading comprehension. Newark, DE: International Reading Association. (1984).